

تعارض آرا در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی؛ گونه‌شناسی، عوامل و راهکارها

گودرز افتخار جهرمی^۱

محمدرضا نریمانی زمان آبادی^۲

DOI: [10.22066/cilamag.2021.117100.1824](https://doi.org/10.22066/cilamag.2021.117100.1824)

DOR: [20.1001.1.2251614.1400.38.64.1.6](https://doi.org/20.1001.1.2251614.1400.38.64.1.6)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰

چکیده

امروزه داوری بی‌تردید پرکاربردترین شیوه حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. به باور بسیاری از ناظران، افزایش چشمگیر رجوع به داوری در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی را باید در مزیت نسبی این شیوه از لحاظ پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد بازیگران بین‌المللی به آن جستجو کرد. در این میان، پدیده تعارض آرا از موانع مهمی است که می‌تواند ویژگی‌های مذکور را به حاشیه رانده، و بخصوص از پیش‌بینی‌پذیری فرایند داوری بکاهد. مقاله حاضر می‌کوشد ضمن بررسی رویه داوری سرمایه‌گذاری، انواع تعارض آرا، علل آن و راهکارهای جلوگیری از صدور آرای متعارض را بررسی کند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که نخست، وجود میزانی از عدم انسجام و هماهنگی در عناصر مختلف نظام حل‌وفصل اختلافات اجتناب‌ناپذیر است و از همین رو نمی‌توان تعارض آرا را به‌طور کامل از عرصه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی زدود. دوم، پیشگیری از بروز هریک از انواع تعارض، نیازمند راهکاری ویژه است و نمی‌توان سازوکار واحد و جامعی برای از میان بردن کلیه عوامل بروز تعارض به دست داد. سرانجام، به نظر می‌رسد مقابله همه‌جانبه با پدیده تعارض آرا بدون اصلاح معاهدات بین‌المللی مربوط به حوزه داوری سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست.

واژگان کلیدی

آرای متعارض، داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دعاوی سهام‌داران، دکترین اضطرار، شرط انتخاب قطعی،
تجمیع دعاوی

^۱ g_etekhar@sbu.ac

^۲ استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

— نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

mohammadreza_narimani@hotmail.com

مقدمه

امروزه از جمله ویژگی‌های حل‌وفصل اختلافات در عرصه بین‌المللی، افزایش هرچه بیشتر مراجع و فرایندهای رسیدگی است.^۱ این امر خود موجب افزایش توازی صلاحیت میان مراجع بین‌المللی و بروز رسیدگی‌های مرتبط یا موازی شده و صدور آرای متعارض در زمینه داوری بین‌المللی را محتمل‌تر کرده است. تعارض آرا مفهوماً و به‌طور کلی به معنای برخورد دو یا چند رأی است که در مفاد و مدلول، دستور و/یا استدلال قابل جمع با یکدیگر نباشند.

پدیده تعارض آرا نظام داوری بین‌المللی را از ابعاد گوناگونی، از جمله انسجام، قابلیت پیش‌بینی، و مشروعیت این شیوه حل‌وفصل اختلافات تحت‌الشعاع قرار داده تا جایی که برای نمونه، به باور بسیاری از نویسندگان، صدور آرای داوری متعارض، پایداری نظام داوری سرمایه‌گذاری را به مخاطره انداخته است.^۲ گفتنی است اعتبار یک نظام حل‌وفصل اختلافات در کلیت خود به میزان انسجام و قابلیت پیش‌بینی آن بستگی دارد. بنابراین، نظام حل‌وفصل اختلافاتی که قادر به تولید نتایج قابل پیش‌بینی نباشد، به تدریج اعتماد کاربران خود را از دست داده و نمی‌تواند به اهداف خود برسد.^۳ همچنین، انسجام نتایج حاصل از رسیدگی می‌تواند به ایجاد حس برابری میان طرفین دعوا کمک کرده و مشروعیت یک نظام حل‌وفصل اختلافات را افزایش دهد.^۴ در سیستم‌های حقوقی ملی، راهکارهای گوناگونی برای جلوگیری از صدور آرای متعارض و مدیریت این تعارض پیش‌بینی شده است. مهم‌تر از همه، وجود ساختار سلسله‌مراتبی میان مراجع رسیدگی است که در نهایت به دیوان عالی کشور ختم می‌شود و سرانجام، دادگاه‌های تالی را ناگزیر از تبعیت از رأی مراجع عالی می‌کند. در مقابل، بستر داوری بین‌المللی به علت فقدان ساختار مذکور و یکپارچه‌نبودن نظام رسیدگی در عرصه بین‌المللی به نحو قابل ملاحظه‌ای مستعد بروز پدیده تعارض آرا است. در عمل نیز علی‌رغم توافق دیوان‌های داوری در طیف گسترده‌ای از موارد، رویه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی حاکی از ناهماهنگی تصمیمات

1. Buergenthal T., "The Proliferation of Disputes, Dispute Settlement Procedures and Respect for the Rule of Law", *Arbitration International*, Vol. 22, Issue 4, 2014: pp. 495-497.

2. See, e.g., Burke-White W., and Von Staden A., "Private Litigation in a Public Law Sphere: The Standard of Review in Investor-State Arbitrations", *Yale Journal of International Law*, Vol. 35, 2010: 283, 299; Schreuer C. and Weiniger M., "Conversation Across Cases: Is there a Doctrine of Precedent in Investment Arbitration?" in MacLachlan C., Shore L., Weiniger M. and Mistelis L. (eds.), *International Investment Arbitration: Substantive Principles Investment Treaty Law*, 2007; also Kingsbury B., and Schill S., "Investor-State Arbitration as Governance: Fair and Equitable Treatment, Proportionality and the Emerging Global Administrative Law", in *50 Years of the New York Convention: ICCA International Arbitration Conference 5*, 8 n.7 (Albert Jan van den Berg ed., 2009).

3. Kaufmann-Kohler, G. "Arbitral Precedent: Dream, Necessity or Excuse?", *Arbitration International*, Vol. 23, No. 3, 2007: p. 378.

4. Ten Cate I. "The Costs of Consistency: Precedent in Investment Treaty Arbitration", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 51, 2013: 420; Kaufmann-Kohler, G., 2007, *op.cit.*, p. 376.

دیوان‌های داوری در خصوص مسائل مناقشه‌برانگیزی مانند امکان توسل دولت‌های سرمایه‌پذیر به شرایط اضطراری به‌عنوان رافع مسئولیت بین‌المللی است.

برخی نویسندگان، وجود تعارض در آرای داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی را اساساً زائیده عوامل فراحقوقی مرتبط با داوران، نظیر زمینه‌های جامعه‌شناختی، گرایش‌های رفتاری مبتنی بر دیدگاه‌های اقتصادی و فلسفی، تصمیمات راهبردی و دغدغه‌های نهادی داوران می‌دانند.^۵ با این حال، چنان‌که نوشتار حاضر به تفصیل بررسی خواهد کرد، بسیاری از مصادیق تعارض آرا به علل فنی حقوقی رخ می‌دهند و بدین لحاظ، جلوگیری از صدور آرای متعارض به‌ویژه با انجام برخی اصلاحات در موافقت‌نامه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری و نیز قوانین و مقررات مربوطه، ناممکن به نظر نمی‌رسد.

نوشتار حاضر بر آن است با بیان مفهوم تعارض آرا و بررسی اجمالی انواع آن، دلایلی را که می‌تواند منجر به بروز تعارض آرا در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی شود نشان داده و راهکارهای قابل برای مقابله با این پدیده را بررسی کند. بر این اساس، مباحث مقاله حاضر در سه بخش اصلی بررسی رویه داوری سرمایه‌گذاری، عوامل و راهکارهای جلوگیری و کاهش صدور این‌گونه آرا سامان داده شده است.

۱. رویه داوری سرمایه‌گذاری

آرای متعارض دارای انواع گوناگونی بوده که مهم‌ترین دسته‌بندی بر اساس ماهیت تعارض است. بسته به وجود تعارض میان قسمت دستوری یا استدلالی رأی می‌توان آن را در دو دسته مادی (ماهوی)^۶ و فکری (معنوی)^۷ جای داد.^۸ به ساده‌ترین بیان، تعارض مادی از تنافی مفاد دستوری^۹ یا اعلامی^{۱۰} دو رأی ناشی می‌شود. توضیح آنکه در صورت مشاهده گزاره‌های منطقی ناهم‌ساز در دو رأی به نحوی که اجرای دستور یا شناسایی اعلام مندرج در هریک از آن‌ها به معنای نادیده‌انگاشتن دستور یا اعلام دیگری باشد، تعارض موجود به شرط وحدت اصحاب دعوا مادی است. برای نمونه، در صورتی که یکی از آرا قرارداد میان طرفین را باطل اعلام، و دیگری خواننده را ملزم به اجرای تعهدات ناشی از قرارداد مذکور کند، مورد از مصادیق تعارض مادی محسوب

5. Schneiderman D., "Judicial Politics and International Investment Arbitration: Seeking an Explanation for Conflicting Outcomes", *Northwestern Journal of International Law & Business*, Vol. 30, 2010: pp. 383, 416.

6. Material

7. Intellectual

8. Spoorenberg, F. Viñuales, J., "Conflicting Decisions in International Arbitration", *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, Vol. 8, 2009: p. 93.

9. Orders (le dispositif)

10. Declaratory provisions

می‌شود. با توجه به رویه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده هافمن علیه کریگ^{۱۱} می‌توان مفهوم آرای قضایی غیرقابل جمع^{۱۲} به نحو مندرج در شق (ج) بند ۱ ماده ۴۵ مقررۀ بروکسل ۱ را منطبق بر تعریف ارائه‌شده در اینجا از تعارض مادی دانست. به باور دیوان دادگستری، در صورتی که دو رأی به «پیامدهای حقوقی متنافی»^{۱۳} منجر شوند، غیرقابل جمع یا متعارض به شمار می‌روند.^{۱۴} چنان‌که ملاحظه می‌شود، وحدت طرفین در این نوع تعارض، ضروری است زیرا بدون وحدت اصحاب دعوا، امکان تعارض دستورهای دو رأی متنافی است.

در مقابل، تعارض فکری تنها ناظر به تنافی استدلال‌های^{۱۵} ارائه‌شده در آرا است. این تنافی که ممکن است در بخش دستوری یا اعلامی رأی یافت شود، معمولاً از تفاوت در تفسیر نشأت می‌گیرد. بدین لحاظ، رهیافت‌های ناهمساز دیوان‌های داوری و دادگاه‌ها در خصوص مفهوم و گستره اصول حقوقی، تعهدات قراردادی، قواعد حل تعارض صلاحیت و مسائلی از این دست، عامل مهمی در بروز تعارض فکری در آرا است. روشن است که وقوع تعارض فکری مستلزم وحدت اصحاب دعوا نیست.

رویه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی حاکی از بروز موارد متعددی از تعارض فکری، و در برخی موارد، تعارض مادی میان آرا است. برای نمونه، دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری در رابطه با تفکیک میان اختلافات قراردادمحور و معاهده‌محور، حدود و ثغور رفتار عادلانه و منصفانه، و امکان استناد به اضطرار برای رفع مسئولیت، تصمیمات بسیار متعارضی اتخاذ کرده‌اند.^{۱۶} در زیر مهم‌ترین اختلافات سرمایه‌گذاری متضمن تعارض آرا بررسی می‌شود.

۱-۱. پرونده‌های سی.ام.اس و ال.جی.اند.ای علیه آرژانتین

دو پرونده مشهور سی.ام.اس^{۱۷} و ال.جی.اند.ای^{۱۸} که هر دو علیه آرژانتین مطرح شده و در یکسید رسیدگی شدند، از جمله مصادیق بروز تعارض فکری در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی

11. Horst Ludwig Martin Hoffmann v. Adelheid Krieg, Court of Justice of the European Union, 4 February 1988, Case No. 145/86.

12. Irreconcilable

13. Mutually exclusive legal consequences

14. *Ibid.*, paras. 22-25.

15. Reasoning

16. Kaufmann-Kohler, G. (2007), *op.cit.*, p. 373.

17. CMS Gas Transmission Company v. Argentina, ICSID Case No. ARB/01/08 (United States/Argentina BIT), Award of 12 May 2005, Annulment Decision of 25 September 2007 (hereinafter referred to as 'CMS Award').

18. LG&E v. Argentina, ICSID Case No. ARB/02/1 (United States/Argentina BIT), Decision on liability of 3 October 2006, Damages Award of 25 July 2007 (hereinafter referred to as 'LG&E Award').

به شمار می‌روند.^{۱۹} در اواخر دهه ۱۹۸۰ و در پی وقوع بحران اقتصادی در آرژانتین، دولت این کشور دست به اصلاحات گسترده‌ای از جمله خصوصی‌سازی برخی از صنایع و شرکت‌های دولتی زد. به‌عنوان بخشی از این برنامه، قانون جدید گاز، مصوب ۱۹۹۲ مقرر کرد شرکت ملی گاز آرژانتین که انحصار تجارت گاز در این کشور را در اختیار داشت، به تعدادی شرکت کوچک‌تر تقسیم و به بخش خصوصی واگذار شود. در طول اجرای برنامه خصوصی‌سازی و تا ۱۹۹۹، سی درصد سهام یکی از شرکت‌های مذکور، شرکت انتقال گاز شمال به سی.ام.اس آرژانتین که تابع شرکت انتقال گاز سی.ام.اس امریکا و تحت مالکیت صددرصدی آن بود واگذار شد.^{۲۰}

با این حال تلاش‌های دولت آرژانتین در مقابله با بحران ناکام ماند و با سقوط ارزش پول ملی، مقامات آرژانتینی ناچار، تصمیم گرفتند تعرفه‌های توزیع گاز را تثبیت و نرخ ارز را کنترل کنند. اما به ادعای سی.ام.اس، تصمیمات اخیر با قوانین و فرمان‌های مصوب در طول دوره اصلاحات اقتصادی مخالف بود و به‌ویژه با ممانعت از محاسبه تعرفه توزیع گاز به دلار امریکا، منجر به از میان رفتن منافع اقتصادی مورد انتظار از سرمایه‌گذاری خود می‌شد.^{۲۱} در نهایت، سی.ام.اس با استناد به معاهده دوجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری میان ایالات متحده امریکا و آرژانتین، فرایند داوری را علیه دولت آرژانتین نزد ایکسید آغاز و خوانده را متهم به نقض تعهدات خود از طریق مصادره و نقض رفتار عادلانه و منصفانه کرد.

دولت آرژانتین، افزون بر اعتراض به صلاحیت دیوان، به منظور دفاع از اقدامات خود، با تکیه بر اوضاع وخیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آرژانتین در اوایل دهه ۲۰۰۰ مدعی شرایط اضطراری شد و به ماده ۲۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و ماده ۱۱ موافقت‌نامه دوجانبه آرژانتین و ایالات متحده استناد کرد. با این همه، دیوان با آنکه ادعای خواهان مبنی بر مصادره را نپذیرفت،^{۲۲} آرژانتین را به علت نقض رفتار عادلانه و منصفانه مسئول دانست.^{۲۳} به نظر دیوان، از جمله به دلیل وجود راهکارهای جایگزین که ضرر کمتری را متوجه سی.ام.اس می‌کرد و نیز دخالت دولت آرژانتین در بدتر شدن اوضاع، شرایط لازم برای تحقق شرایط اضطراری در این پرونده موجود نبود و لذا دیوان استدلال آرژانتین را در این خصوص رد کرد.^{۲۴} سرانجام دیوان در رأی مورخ ۱۲ مه ۲۰۰۵، آرژانتین را به پرداخت ۱۳۳.۲ میلیون دلار خسارت به سی.ام.اس

19. Foster D. "Necessity Knows No Law!": LG&E v. Argentina", *International Arbitration Law Review*, Vol. 9, Issue 6, 2006: p. 149.

20. Fouret J. "CMS c/ LG&E ou l'état de nécessité en question", *Revue de l'arbitrage*, No. 2 (2007): 249.

21. Alvarez J. and Khamsi K. "The Argentine Crisis and Foreign Investors: A Glimpse into the Hear of the Investment Regime" in *Yearbook on International Investment Law and Policy* (2008/2009): p. 379.

22. CMS Award, para. 263.

23. *Ibid.*, para. 281.

24. *Ibid.*, para. 331.

محکوم کرد.^{۲۵}

تنها یک سال بعد، دیوان داوری دیگری در ایکسید در پرونده ال.جی.اند.ای علیه آرژانتین به نتایج کاملاً متفاوتی با رأی سی.ام.اس دست یافت. شرکت ال.جی.اند.ای امریکا که همانند سی.ام.اس در صنعت گاز آرژانتین سرمایه‌گذاری کرده و مالک سه شرکت تابع ثبت‌شده در این کشور بود، در نتیجه اقدامات دولت آرژانتین، کسب و کار خود را در این کشور از دست داد. بر این اساس، ال.جی.اند.ای با شروع فرایند داوری در ایکسید و ضمن اتکا به وقایع یکسان، مدعی نقض تعهدات ناظر بر حمایت از سرمایه‌گذاری توسط دولت آرژانتین شد. با این حال، دیوان داوری، استناد این کشور به اصل اضطرار را در راستای ماده ۱۱ موافقت‌نامه دوجانبه آرژانتین و ایالات متحده، از جمله به علت به‌خطرافتادن منافع امنیتی حیاتی آرژانتین و احتمال سقوط کامل این کشور، موجه دانست. دیوان داوری در این پرونده ضمن بررسی نتایج فروپاشی اقتصادی آرژانتین از جمله فقر گسترده، عدم اعتماد به نظام بانکی، اعتراضات خشن و تزلزل شدید سیاسی، نتیجه گرفت مجموع شرایط مذکور، رافع مسئولیت دولت آرژانتین بوده و به این کشور اجازه می‌دهد به منظور حفظ نظم و کنترل ناآرامی مدنی به ماده ۱۱ استناد کند.^{۲۶} به باور این دیوان، اقدامات دولت آرژانتین نه تنها در چارچوب موافقت‌نامه حمایت از سرمایه‌گذاری، بلکه مطابق دکترین اضطرار در حقوق بین‌الملل عرفی نیز موجه هستند.^{۲۷}

چنان‌که ملاحظه می‌شود، آرای دیوان‌های داوری ایکسید در این دو پرونده با وجود بررسی وقایع و اقدامات دولتی یکسان و استناد به مبانی ماهوی واحد، در تعارض با یکدیگر قرار دارند. علی‌رغم ماهیت فکری تعارض به علت متفاوت بودن طرفین، پیامدهای ناگوار ناشی از تعارض در این دو رأی برای انسجام و پیش‌بینی‌پذیری داوری سرمایه‌گذاری، انتقادات زیادی را علیه داوری در ایکسید برانگیخت. قابل توجه آنکه دیوان ال.جی.اند.ای در رأی خود بارها به رأی پرونده سی.ام.اس برای ارجاع به موارد مورد توافق دو دیوان اشاره کرد.^{۲۸} با این حال، دیوان مزبور هرگز تفاوت در استدلال و تعارض نتایج موجود در دو رأی را تصدیق و بررسی نکرد.

۱-۲. پرونده‌های سی.ام.ای و رونالد لادر علیه جمهوری چک

همان‌گونه که اشاره شد، ممکن است دو رأی داوری به‌صورت مادی در تعارض با یکدیگر قرار گیرند. می‌توان پرونده سی.ام.ای را به نحوی از مصادیق این نوع تعارض دانست. در این پرونده،

25. Reinisch A, "Necessity in International Investment Arbitration: An Unnecessary Split of Opinions in Recent ICSID Cases?", *Journal of World Investment & Trade*, Vol. 8, Issue 2, 2007: p. 191.

26. LG&E Award, para. 237.

27. *Ibid.*, paras. 245-260.

28. *Ibid.*, paras. 125, 127, 128, 171, 236.

اختلاف بر سر سرمایه‌گذاری آقای رونالد لادر^{۳۹} در یک دعوای سرمایه‌گذاری علیه دولت جمهوری چک، منجر به صدور دو رأی کاملاً متناقض شد.^{۳۰}

جمهوری چک در اکتبر ۱۹۹۱ با تصویب قانونی، پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی را توسط اشخاص خصوصی داخلی و خارجی از طریق اخذ مجوز امکان‌پذیر کرد. قانون مذکور همچنین با ایجاد یک نهاد مقررگذار تلویزیون و رادیو به نام «شورای رسانه»،^{۳۱} وظیفه نظارت بر اجرای قانون و صدور مجوز پخش را بر عهده شورای مذکور قرار داد. متعاقباً شورای رسانه در ژانویه ۱۹۹۳ اقدام به اعطای مجوز پخش به شرکت سی.ای.تی. «۲۱»^{۳۲} (نخستین تلویزیون خصوصی در جمهوری چک) کرد. سی.ای.تی. «۲۱» به منظور اخذ مجوز خود، با شرکت آلمانی سی.ای.دی. سی.^{۳۳} که تحت کنترل لادر (تبعه ایالات متحده) بود همکاری کرده و طرفین تصمیم گرفتند که شرکت مذکور در سی.ای.تی. «۲۱» سرمایه‌گذاری کند. شورای رسانه در ابتدا با این سرمایه‌گذاری موافقت کرد. با این حال پس از انتقادات شدید سیاسی علیه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش رادیو و تلویزیون جمهوری چک، شورای رسانه با هدف ختم غائله از دو شرکت خواست که به منظور استفاده از مجوز صادره، اقدام به تأسیس یک شرکت سرمایه‌گذاری مشترک (جوینت ونچر) کنند. در همین راستا، دو شرکت در ۱۹۹۳ یک شرکت جدید به نام سی.ان.تی. اس.^{۳۴} تشکیل دادند که آورده سی.ای.تی. «۲۱» در آن، اعطای حق غیرقابل الغا و انحصاری استفاده از مجوز پخش، و آورده شرکت آلمانی، تأمین مالی شرکت جوینت ونچر بود.

سی.ان.تی. اس پس از تشکیل، به شدت محبوب شد و توانست با موفقیت در کسب و کار خود، بخش عمده‌ای از بازار جمهوری چک را به دست آورد.^{۳۵} با این حال از ۱۹۹۴ نهادهای دولتی مختلف از جمله پارلمان جمهوری چک، پلیس این کشور و نیز شورای رسانه، آغاز به مداخله در کسب و کار سی.ان.تی. اس و متهم کردن آن به فعالیت بدون مجوز کردند. از جمله، شورای رسانه در ژوئیه ۱۹۹۶ با ادعای «پخش تلویزیونی فاقد مجوز»، اقدام به طرح دعوای اداری علیه سی.ای.تی. «۲۱» کرد.^{۳۶} به منظور رفع نگرانی‌های مزبور، سی.ان.تی. اس و سی.ای.تی. «۲۱»

29. Ronald Lauder

30. In the Matter of an UNCITRAL Arbitration between Ronald S. Lauder v. the Czech Republic, Final Award of 3. September 2001 (hereinafter referred to as 'London Award'); available at: <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0451.pdf> (last visited April 9, 2020); CME Czech Republic B. V (The Netherlands) v. The Czech Republic, Partial Award of 13 September 2001 (UNCITRAL Arbitration Proceedings) (hereinafter referred to as 'Stockholm Award'); available at: <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0178.pdf> (last visited April 9, 2020).

31. Media Council

32. Central European Television 21 (CET 21)

33. Central European Development GmbH (CEDC)

34. Česká Nezávislá Televizní Společnost (CNTS)

35. Stockholm Award, para. 458.

36. *Ibid.*, para. 485.

طی ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ تلاش کردند با اعمال اصلاحات متعدد در روابط قراردادی خود، تصریح کنند که فعالیت پخش تلویزیونی توسط سی.ای.تی. ۲۱ (که مجوز متعلق به آن بود) انجام می‌شود و سی.ان.تی. اس تنها خدمات مورد نیاز آن را ارائه می‌کند. با این حال، متعاقب دخالت مجدد شورای رسانه و این بار با تمایل سی.ای.تی. ۲۱، سی.ان.تی. اس مجبور به واگذاری حق استفاده انحصاری خود از مجوز پخش شد.^{۳۷} سی.ای.تی. ۲۱ به منظور قطع رابطه انحصاری خود با سی.ان.تی. اس حتی از شورای رسانه درخواست کرد که نامه‌ای دال بر نبود حقوق انحصاری مبنی بر استفاده یا ارائه خدمات مربوط به مجوز صادر کند. شورای رسانه نیز با صدور نامه مذکور بیان داشت که رابطه طرفین انحصاری نیست و بدین ترتیب، یکی از عناصر بسیار مهم جوینت‌ونچر طرفین را که قبلاً پذیرفته بود از میان برد. در نتیجه ظرف ۶ ماه، سی.ای.تی. ۲۱ ارتباط خود را با سی.ان.تی. اس به طور کامل قطع کرد و عملاً کسب و کار سی.ان.تی. اس را که مبتنی بر ارائه انحصاری خدمات پخش به سی.ای.تی. ۲۱ بود از میان برد.^{۳۸}

لادر در ۱۹ اوت ۱۹۹۹ با ادعای نقض موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری میان جمهوری فدرال چک و اسلواکی و ایالات متحده و در قامت سرمایه‌گذار، در لندن به موجب قواعد آنسیترال، علیه جمهوری چک، دعوای دوری طرح کرد (دیوان لندن). به ادعای لادر، جمهوری چک تعهدات خود را مبنی بر (الف) اتخاذ رفتار عادلانه و منصفانه با سرمایه‌گذاری، (ب) اعطای حمایت کامل از سرمایه‌گذاری، (ج) اتخاذ رفتار حداقلی به موجب اصول حقوق بین‌الملل، (د) عدم آسیب به سرمایه‌گذاری از طریق اقدامات دل‌خواهی و تبعیض‌آمیز، و (ه) خودداری از مصادره مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه‌گذاری نقض کرده بود.^{۳۹} شش ماه بعد در فوریه ۲۰۰۰، شرکت مادر هلندی که لادر از طریق آن سرمایه‌گذاری خود را انجام داده بود، سی.ام.ای.^{۴۰} نیز با شروع فرایند دوری علیه جمهوری چک در استکهلم به موجب قواعد دوری آنسیترال، این کشور را متهم کرد که تعهدات خود را به موجب موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری میان پادشاهی هلند و جمهوری چک، نقض کرد (دیوان استکهلم).

دیوان لندن در رأی خود مورخ ۳ سپتامبر ۲۰۰۱ نتیجه گرفت که جمهوری چک تنها از یک بُعد مرتکب اقدامات غیرقانونی علیه لادر شده است: تصمیم شورای رسانه مبنی بر الزام سی.ام.ای و سی.ای.تی. ۲۱ به تشکیل شرکت جوینت‌ونچر به منظور مدیریت مجوز پخش سی.ای.تی. ۲۱ یک اقدام با انگیزه سیاسی و به صورت تبعیض‌آمیز بود که از سرمایه‌گذاری

37. *Ibid.*, para. 460.

38. *Ibid.*, para. 558.

39. London Award, para. 42.

40. CME Czech Republic

مستقیم سی.ام.ای در شرکت چک ممانعت کرد. بر این اساس دیوان نتیجه گرفت که جمهوری چک تعهد خود را مبنی بر خودداری از اقدامات دل‌بخواهانه و تبعیض‌آمیز علیه سرمایه‌گذاری نقض کرده است.^{۴۱} با این حال، دیوان در نهایت امر به علت ناکامی لادر در اثبات رابطه سببیت میان رفتار تبعیض‌آمیز شورای رسانه و خسارات وارده به وی، از حکم به پرداخت غرامات خودداری کرد.^{۴۲}

تنها ده روز بعد در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۱، دیوان استکهلم ضمن بررسی وقایع و مبنای حقوقی یکسان، یک رأی متعارض با رأی دیوان لندن صادر کرد. دیوان استکهلم با پذیرش نقض موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری توسط جمهوری چک، اعلام کرد خواهان همچنین موفق به اثبات رابطه سببیت شده است. به باور این دیوان، علت از میان رفتن سرمایه‌گذاری سی.ام.ای، اقدامات قهری شورای رسانه علیه این شرکت مبنی بر الزام آن به اصلاح ساختار حقوقی سرمایه‌گذاری خود در ۱۹۹۶ و نیز مداخله غیرقانونی در رابطه حقوقی میان سی.ای.تی. ۲۱ و سی.ان.تی.اس. از طریق حذف انحصار بود که اساس حمایت حقوقی از سرمایه‌گذاری سی.ام.ای محسوب می‌شد.^{۴۳} بر این اساس، دیوان نتیجه گرفت که جمهوری چک به علت مصادره عملی^{۴۴} سرمایه‌گذاری سی.ام.ای ملزم به جبران زیان‌های وارده به سرمایه‌گذار از طریق پرداخت ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری^{۴۵} در بازار است.^{۴۶} دیوان استکهلم در نهایت در رأی مورخ ۱۴ مارس ۲۰۰۳، جمهوری چک را از مجموع ۵۰۰ میلیون دلار خواسته خواهان، به پرداخت مبلغی قریب به ۲۷۰ میلیون دلار به‌علاوه ۱۰ درصد بهره سالانه محکوم کرد.

صدور آرای متعارض در این دو پرونده، بسیاری از ناظران حوزه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی را شگفت‌زده کرد و موجب انتقادات گسترده‌ای شد؛^{۴۷} به‌ویژه آنکه آرای متعارض در این دو پرونده را می‌توان با چشم‌پوشی از حجاب شرکتی میان خواهان‌ها، از نوع مادی یا شبه‌مادی دانست که دارای آثار منفی به‌مراتب برجسته‌تری نسبت به تعارض فکری است.

41. *Ibid.*, paras. 221-3.

42. *Ibid.*, para. 235.

43. Stockholm Award, para. 575.

44. De facto expropriation

45. Fair market value

46. *Ibid.*, para. 624.

47. Brower C., Sharpe J., "Multiple and Conflicting International Arbitral Awards", *The Journal of World Investment*, Vol. 4, Issue 2, (2003): 216; also, Kuhn W., "How to Avoid Conflicting Awards – The Lauder and CME Cases", *The Journal of World Investment and Trade*, Vol. 5, Issue 1, 2004: p. 7.

۲. عوامل بروز تعارض آرا

۲-۱. فقدان قاعده سابقه و عدم رجوع به آرای پیشین

در داوری تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی علی‌رغم آزادی عمل داوران در رجوع به پرونده‌های مشابه به منظور توضیح مسائل حکمی یا تقویت استدلال خود، اساساً قاعده‌ای اجباری وجود ندارد که داوران را ملزم به تبعیت از یافته‌های دیگر دیوان‌های داوری در دعاوی مشابه کند.^{۴۸} می‌توان این امر را که خود از عوامل چابکی نظام داوری بین‌المللی است از علت‌های بروز آرای متعارض در داوری بین‌المللی دانست.^{۴۹} در داوری تجاری بین‌المللی، داوران فارغ از فقدان قاعده سابقه، در عمل نیز تمایل چندانی ندارند به آرای مرتبط استناد کنند. برای نمونه، بر اساس یکی از پژوهش‌های انجام‌شده بر آرای داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، از مجموع ۱۹۰ رأی مورد بررسی، تنها ۱۵ درصد آرا حاوی ارجاع به دیگر پرونده‌ها بودند که اکثر آن‌ها مربوط به مسائل صلاحیتی بوده است.^{۵۰} از همین رو نتیجه‌گیری شده که قاعده سابقه در داوری تجاری بین‌المللی فاقد جایگاهی قابل اعتنا است.^{۵۱}

دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری نیز عموماً بر فقدان قاعده سابقه در این حوزه توافق داشته^{۵۲} و برخی از نویسندگان، این امر را در داوری‌های ایکسید به ماده ۵۳ کنوانسیون واشنگتن مستند می‌دانند که به موجب آن، رأی داوری تنها برای طرفین الزامی است.^{۵۳} با وجود این، با توجه به صدور آرای متعارض در پرونده‌هایی نظیر سی.ام.اس، ال.جی.اند.ای، و سی.ام.ای از یک سو، و انتشار بخش مهمی از آرای داوری سرمایه‌گذاری از سوی دیگر،^{۵۴} به نظر می‌رسد امروزه فارغ از اختلاف‌نظرهای موجود در خصوص اتخاذ قاعده سابقه، توجه به آرای پیشین از ملزومات داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. پژوهش‌های آماری انجام‌شده در این زمینه نیز حاکی از تغییر

48. Dolzer R., Schreuer C., Principles of International Investment Law, Second ed. Oxford: Oxford University Press, 2008, pp. 35-37.

49. Spooenberg, F. Viñuales, J. (2009), *op.cit.*, p. 95.

50. Kaufmann-Kohler, G. (2007), *op.cit.*, 362.

51. *Ibid.*, p. 373.

52. Ten Cate (2013), *op.cit.*, p. 421; Schreuer C. and Weiniger M. (2007), *op.cit.*, p. 367.

53. Schreuer C. et al., The ICSID Convention: A Commentary on the Convention on the Settlement of Investment Disputes Between States and Nationals of Other States, 2nd Ed. Cambridge University Press, 2014, p. 1082.

با این حال، به عقیده برخی نویسندگان، ماده مذکور فاقد مفهوم مخالف بوده و نمی‌توان با استناد به این ماده، امکان مراجعه به آرای مرتبط پیشین را منتفی دانست. در این زمینه، ن.ک:

Duprey P. "Do Arbitral Awards Constitute Precedents? Should Commercial Arbitration be Distinguished in this regard from Arbitration Based on Investment Treaties?" in E. Gaillard (ed.), Towards a Uniform International Arbitration Law?, 2005: p. 267.

۵۴. برای نمونه، آرای داوری ایکسید به‌طور منظم منتشر شده و به‌صورت برخط در دسترس عموم قرار می‌گیرند. ن.ک: <https://icsid.worldbank.org/en/Pages/cases/AdvancedSearch.aspx>

الگوی رفتاری دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری، به‌ویژه دیوان‌های ایکسید، به ارجاع هرچه بیشتر به آرای سابق است.^{۵۵} برای نمونه، به بیان دیوان داوری ایکسید، پرونده ال پاسو علیه آرژانتین، «دیوان‌های داوری ایکسید به نحو موردی تشکیل می‌شوند، [...] و دیوان حاضر مقرره‌ای سراغ ندارد که به‌موجب آن، الزامی به رعایت قاعده سابقه ایجاد شده باشد. با این همه، فرض معقولی است که دیوان‌های داوری بین‌المللی، به‌ویژه دیوان‌هایی که در نظام ایکسید تشکیل می‌شوند، [در صدور آرای خود] رویه سایر دیوان‌ها و سازمان‌های داوری را به‌طور کلی مدنظر قرار دهند».^{۵۶} به باور برخی نویسندگان، مشکلات ناشی از فقدان قاعده سابقه را می‌توان به‌ویژه در زمینه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، از طریق رجوع به رویه‌های منسجم در مجموعه‌ای از آرای مشابه، و نه آرای منفرد، مرتفع کرد. بر این اساس، داوران باید در صورت اتخاذ رهیافتی منسجم در زنجیره‌ای از پرونده‌های مشابه توسط دیگر دیوان‌های داوری، از رهیافت مذکور پیروی کنند، مگر آنکه دلایل بسیار متقاعدکننده‌ای برای تخطی از رویه مذکور وجود داشته باشد.^{۵۷}

۲-۲. اعمال مضیق قاعده اعتبار امر مختوم

قاعده اعتبار امر مختوم از اصول کلی حقوق در معنای بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری شناخته شده،^{۵۸} و از اصول بنیادین رسیدگی منصفانه و کارآمد به شمار می‌رود.^{۵۹} به‌موجب این قاعده، امکان رسیدگی مجدد به یک دعوا به شرط وحدت اصحاب، سبب و موضوع آن (شرط وحدت سه‌گانه) وجود ندارد.^{۶۰} همانند آرای قضایی، اعتبار امر مختوم آرای داوری نیز مورد شناسایی گسترده قرار گرفته است.^{۶۱} از جمله ماده ۳ کنوانسیون نیویورک و ماده ۳۵ قانون نمونه آنسیترال، بیانگر اثر الزام‌آور آرای داوری هستند. با این حال، اعمال این قاعده در داوری بین‌المللی با پیچیدگی‌هایی از جمله تعیین طرفین ملزم به رأی داوری، تعیین بخش‌های رأی که

55. Commission J., "Precedents in Investment Treaty Arbitration: A Citation Analysis of a Developing Jurisprudence" *Journal of International Arbitration*, Vol. 24, No. 2, 2007: pp. 129-155.

56. *El Paso Energy International Co. v. Argentine Republic*, ICSID Case ARB/03/15, Decision on Jurisdiction, 27 April 2006, para. 39.

57. Kaufmann-Kohler G., "Is Consistency a Myth", in Gaillard E. and Banifatemi Y. (Eds.), *IAI Series on International Arbitration No. 5, Precedent in International Arbitration*, Paris: Juris Publishing Inc. 2007, pp. 146-147.

58. Hanotiau B., *L'autorité de chose jugée des sentences arbitrales, L'arbitrage complexe*, Special Supplement Bull. CI Arb. ICC 45 (2003): p. 45.

59. Gallagher N., *Parallel Proceedings, Res Judicata and Lis Pendens: Problems and Possible Solutions*, in L.A. Mistelis, J.D.M. Lew (eds.), *Pervasive Problems in International Arbitration*, Kluwer, The Hague, 2006, pp. 329-356.

60. Crivellaro A., "Consolidation of Arbitral and Court Proceedings in Investment Disputes", *Law & Practice of International Courts and Tribunals*, Vol. 4, 2005: p. 381.

61. Soderlund C., "Lis Pendens, Res Judicata and the Issue of Parallel Judicial Proceedings", *Journal of International Arbitration*, Vol. 22, No. 4 2005: p. 304; also, Yaffe N., "Transnational Arbitral Res Judicata", *Journal of International Arbitration*, No. 5, 2017: pp. 795-834.

مشمول اثر اعتبار مختوم بوده و نیز قانون حاکم در این رابطه^{۶۲} مواجه است.^{۶۳} در هر حال، از کارکردهای اصلی این قاعده، پرهیز از صدور آرای متعارض است.^{۶۴} از این رو اعمال سختگیرانه و مضیق قاعده اعتبار امر مختوم توسط دیوان‌های داوری یکی از عوامل مهمی است که منجر به صدور آرای متعارض شده است. رسیدگی‌های هم‌زمان و آرای متعارض در پرونده سی.ام.ای حاکی از پیامدهای نامطلوبی است که شیوه فعلی اعمال قاعده اعتبار امر مختوم به همراه دارد. جمهوری چک پس از صدور رأی دوم (دیوان استکهلم)، با اعتراض به آن نزد دادگاه تجدیدنظر استکهلم خواستار ابطال رأی شد.^{۶۵} به اعتقاد دولت جمهوری چک، یکی از مبانی ابطال رأی، تخطی دیوان استکهلم از اعتبار امر مختوم رأی دیوان لندن بود. توضیحات بخش پیشین نشان داد که علی‌رغم مشابهت کامل دو دعوا و نیز مشابهت موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری مربوطه، دیوان استکهلم حاضر به خودداری از احراز صلاحیت نشد و با وجود اطلاع از رسیدگی‌های جاری نزد دیوان لندن، اقدام به رسیدگی و صدور رأی کرد. با این همه، به باور دادگاه تجدیدنظر استکهلم، شرایط اعمال قاعده اعتبار امر مختوم به علت فقدان وحدت اصحاب دعوا فراهم نبود و استدلال دولت جمهوری چک از این منظر مردود است. گفتنی آنکه جمهوری چک مشابه همین استدلال را نزد خود دیوان استکهلم هم مطرح کرد. اما به اعتقاد این دیوان، «قاعده اعتبار امر مختوم در پرونده حاضر به چند دلیل قابل اعمال به نفع دیوان لندن نیست. طرفین داوری در رسیدگی‌های لندن، متفاوت از طرفین داوری در استکهلم هستند. آقای لادر سهام‌دار عمده سی.ام.ای است، درحالی‌که خواهان در این پرونده، شرکت هلدینگ هلندی است که بخشی از سی.ام.ای به شمار می‌رود. به‌علاوه موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری حاکم در هریک از این رسیدگی‌های داوری با وجود مشابهت در حمایت‌های اعطایی، متفاوت هستند. در نهایت، این دیوان نمی‌تواند از یکسان‌بودن وقایع ارائه‌شده نزد دو دیوان، ارزیابی [قاطعاً] داشته باشد زیرا کاملاً محتمل است که این وقایع به نحو متفاوتی به دیوان‌های مذکور ارائه شده باشد».^{۶۶}

علی‌رغم مراتب فوق، نتایج نامطلوب این پرونده انتقادات زیادی را در میان نویسندگان حقوقی برانگیخت. از جمله، برخی شیوه تحلیل مشابه با استدلال دیوان استکهلم در رابطه با شرط

62. Yaffe N. (2017), *op.cit.*, pp. 795-834.

63. Sheppard A., "The Scope and Res Judicata Effect of Arbitral Awards" in *Arbitral Procedure at the Dawn of the New Millennium (Reports of the International Colloquium of CEPANI, Bruylant, 2005: p. 265.*

64. Günes S., "Res Judicata in International Arbitration: To What Extent Does an Arbitral Award Prevent the Re-Litigation of Issues?", *Transnational Dispute Management*, Vol. 12, Issue 6, 2015: p. 3.

65. *Czech Republic v. CME Czech Republic BV*, Svea Court of Appeal, Case No. T8735-01, Decision of 15 May 2003.

66. *Stockholm Award*, para. 432.

وحدت سه‌گانه را معادل فورمالیسم افراطی دانسته،^{۶۷} و برخی دیگر، از تصمیم دادگاه تجدیدنظر استکھلم از منظر جلوگیری از صدور آرای متعارض انتقاد کردند.^{۶۸} در مجموع به نظر می‌رسد اعمال موسع قاعده اعتبار امر مختوم، دست‌کم در ارتباط با شرط وحدت اصحاب دعوا می‌تواند از تعارض آرا در پرونده‌های مشابه جلوگیری کند.^{۶۹} از راهکارهای پیشنهادی در این زمینه، تعیین اصحاب واقعی دعوا بر اساس «معیار کنترل» است که به‌موجب آن، به‌جای تکیه صرف بر اصل تفکیک شخصیت حقوقی شرکت و سهام‌داران آن، باید میزان تملک سهام و حق رأی در شرکت را در نظر گرفت.^{۷۰}

این راهکار با توجه به رویه فعلی داوری سرمایه‌گذاری مبنی بر توانایی سهام‌داران مستقیم و غیرمستقیم در اقامه دعوی هم‌زمان علیه کشور سرمایه‌پذیر، بسیار قابل توجه به نظر می‌رسد.

۲-۳. امکان طرح هم‌زمان دعوا توسط سهام‌داران مستقیم و غیرمستقیم شرکت تشکیل‌شده در کشور سرمایه‌پذیر

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند منجر به صدور آرای داوری متعارض در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی شود، امکان طرح هم‌زمان دعوا علیه دولت سرمایه‌پذیر توسط سهام‌داران مستقیم و غیرمستقیم شرکتی است که به منظور انجام سرمایه‌گذاری در کشور مزبور تشکیل می‌شود.^{۷۱} توضیح آنکه به علت اقتضات عملی یا الزامات قانونی کشور میزبان، سرمایه‌گذاری در اغلب موارد از طریق تأسیس یک شرکت در قلمرو کشور میزبان انجام می‌شود که اصطلاحاً شرکت محلی^{۷۲} نیز خوانده می‌شود. با این حال، تملک سهام توسط سرمایه‌گذار خارجی در شرکت محلی همواره به‌صورت مستقیم نیست و ممکن است به‌صورت غیرمستقیم و از طریق یک یا چند نهاد (شرکت) واسط انجام شود.^{۷۳} در این‌گونه موارد، تملک سهام در شرکت محلی از طریق یک ساختار زنجیره‌وار شرکتی به عمل می‌آید که متشکل از یک سرمایه‌گذار اصلی در رأس و یک یا

67. Martinez-Fraga P., and Jack Samra H., "The Role of Precedent in Defining Res Judicata in Investor-State Arbitration", *Northwestern Journal of International Law & Business*, Vol. 32, Issue 3, 2012: p. 424.

68. Rubins N., "Observations, Judgment by the Svea Court of Appeal, Stockholm, Rendered in 2003 in Case T8735-01: The CME v. Czech Republic Case", *Stockholm Arb. Rep. No. 2*, 2003: p. 210.

برای نظر مخالف، ن.ک:

Soderlund C. (2005), *op.cit.*, p. 320.

69. Schreuer C., "Shareholder Protection in International Investment Law", *Transnational Dispute Management*, Vol. 2, Issue 3, 2005: p. 14.

70. Hansen R., "Parallel Proceedings in Investor-State Treaty Arbitration: Responses for Treaty Drafters, Arbitrators and Parties", *The Modern Law Review*, Vol. 73, Issue 4, 2010: pp. 523, 532.

71. Cremades B., and Madalena I., "Parallel Proceedings in International Arbitration", *Arbitration International*, Vol. 24, No. 4, 2008: pp. 508-509.

72. Local company

73. Schreuer C., *supra* note 69 at 11.

چند نهاد واسط در ذیل است که هر یک در شرکت تابعه خود سهام‌دار هستند و زنجیره نهایتاً به شرکت محلی تشکیل‌شده در کشور سرمایه‌پذیر ختم می‌شود.^{۷۴} حال چنانچه کشور میزبان، اقدامات متخلفانه‌ای را علیه شرکت محلی مرتکب شود، کدام‌یک از شرکت‌های حاضر در زنجیره شرکتی مذکور می‌توانند علیه وی طرح دعوا کنند؟ به بیان دیگر، آیا سهام‌داران مستقیم و همچنین غیرمستقیم، امکان طرح دعوا علیه دولت میزبان را دارند؟ رویه داور سرمایه‌گذاری بین‌المللی به این پرسش پاسخ مثبت داده است.^{۷۵}

برای نمونه، در پروندهٔ زیمنس علیه آرژانتین، شرکت آلمانی زیمنس،^{۷۶} به منظور مشارکت در مناقصهٔ مربوط به یک قرارداد ایجاد سیستم کنترل مهاجرت و شناسایی الکترونیکی اشخاص در آرژانتین، شرکتی به نام ای.اس.آی.تی.اس^{۷۷} در این کشور تأسیس کرد.^{۷۸} با این حال، تشکیل شرکت آرژانتینی نه مستقیماً توسط خود زیمنس بلکه از طریق شرکت تابعهٔ آن، یعنی شرکت ای.اس.آی.ان.آی^{۷۹} انجام شد. این شرکت واسط همانند شرکت مادر خود در آلمان به ثبت رسیده بود و مالکیت سهام آن نیز به‌طور کامل به زیمنس تعلق داشت.^{۸۰} ای.اس.آی.تی.اس سرانجام با پیروزی در مناقصه، قرارداد شش ساله‌ای را با دولت آرژانتین در اکتبر ۱۹۹۸ به امضا رساند.^{۸۱} اجرای قرارداد مذکور با بروز مشکلاتی در فوریه ۲۰۰۰ به تعلیق درآمد و دولت آرژانتین قرارداد را در مه ۲۰۰۱ و به‌صورت یکجانبه فسخ کرد.^{۸۲} زیمنس نیز با ادعای نقض حمایت‌های معاهده‌ای مندرج در موافقت‌نامهٔ حمایت از سرمایه‌گذاری میان آرژانتین و دولت آلمان، فرایند داورى را در ایکسید به جریان انداخت. یکی از ایرادات اصلی که دولت آرژانتین در مرحلهٔ صلاحیتی رسیدگی‌های داورى مطرح کرد این بود که زیمنس سهام‌دار مستقیم شرکت آرژانتینی نبوده و بنابراین، وجود رابطهٔ مستقیم سهام‌داری میان وی و شرکت داخلی به‌عنوان شرط اقامهٔ دعوا توسط سرمایه‌گذار تحقق نیافته است.^{۸۳} با این حال، دیوان داورى با استناد به عموم و اطلاق تعریف به‌عمل‌آمده از اصطلاح «سرمایه‌گذاری» به نحو مندرج در موافقت‌نامهٔ سرمایه‌گذاری میان آرژانتین و آلمان بر

74. See Gaukrodger D., "Investment Treaties and Shareholder Claims: Analysis of Treaty Practice", OECD Working Papers on International Investment, No. 2014/03, 2014: pp. 26-29.

75. Valasek M. and Dumberry P., "Developments in the Legal Standing of Shareholders and Holding Corporations in Investor-State Disputes", ICSID Review: Foreign Investment Law Journal, Vol. 26, Issue 1, 2011: p. 73.

76. Siemens A.G.

77. Siemens IT Services S.A. ("SITS")

78. Siemens AG v Argentine Republic (Decision on Jurisdiction, 3 August 2004) ICSID Case No. ARB/02/8, 12 ICSID Rep 174, para. 23.

79. Siemens Nixdorf Informationssysteme A.G. ("SNI")

80. *Ibid.*

81. *Ibid.*, para. 25.

82. *Ibid.*, para. 26.

83. *Ibid.*, para. 123.

آن شد که معاهده فاقد هرگونه الزامی مبنی بر فقدان نهادهای واسط میان سرمایه‌گذار و شرکت محلی است.^{۸۴} بنابراین دیوان نتیجه گرفت که زیمنس علی‌رغم جایگاه خود به‌عنوان سهام‌دار غیرمستقیم در شرکت محلی، قادر است علیه دولت آرژانتین دعوای معاهده‌ای طرح کند. با در نظر داشتن نتیجه‌گیری‌های مشابه دیوان‌های داوری در دیگر پرونده‌های سرمایه‌گذاری این‌چنین نظیر پرونده ال.جی. اندای، انرون،^{۸۵} ویست منجمنت^{۸۶} و آزوریکس،^{۸۷} در مجموع می‌توان گفت تعریف تملک سهام به‌عنوان سرمایه‌گذاری در اکثر قریب به اتفاق معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری از یک سو، و عدم لزوم سهام‌داری مستقیم یا اکثریت به منظور اقامه دعوای مبتنی بر معاهده از سوی دیگر، از علل عمده‌ای است که در این راستا مورد استناد دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری قرار گرفته است.^{۸۸} بنابراین نه‌تنها سهام‌داران مستقیم شرکت محلی، بلکه سهام‌داران غیرمستقیم آن نیز قادر به طرح دعوا علیه دولت میزبان شناخته شده‌اند. آنچه در این میان می‌تواند بیش از همه منجر به صدور آرای متعارض شود، طرح دعوای سهام‌داران مستقیم و غیرمستقیم به‌صورت هم‌زمان است؛ همان رخدادی که در پرونده سی.ام.ای و لادر علیه جمهوری چک به وقوع پیوست.

در این پرونده، شرکت هلندی سی.ام.ای سهام‌دار مستقیم، و آقای لادر سهام‌دار غیرمستقیم شرکت تابعه ثبت‌شده در جمهوری چک بودند و اختلافات مطروحه ایشان از حیث عملی، اقتصادی و ماهوی یکسان بود. با این حال، هیچ‌یک از دو دیوان لندن و استکهلم با اقامه دعوای هم‌زمان آن‌ها نزد مراجع رسیدگی متفاوت مخالفت نکردند. در مقابل و در مقام دفاع، دولت جمهوری چک با استناد به سوءاستفاده ادعایی خواهان‌ها از فرایند رسیدگی داوری، صلاحیت هر دو دیوان لندن و استکهلم را به چالش کشید. سوءاستفاده مذکور بنا به ادعای دولت جمهوری چک، رسیدگی به اختلاف واحد با طرفین (عملاً) یکسان نزد دو دیوان داوری بود. با این حال، هر دو دیوان، استدلال مذکور را از جمله با توسل به تفاوت در موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری حاکم^{۸۹} و نیز یکسان نبودن طرفین در معنای خاص آن، مردود دانستند. در واقع، به عقیده دیوان‌های داوری مذکور، از یک سو هر طرف می‌تواند از هرگونه راهکار قانونی مندرج در قوانین کشور سرمایه‌پذیر

84. *Ibid.*, paras. 137, 142.

85. *Enron Corporation and Ponderosa Assets LP v Argentine Republic* (Decision on Jurisdiction, 14 January 2004) ICSID Case No. ARB/01/3, 11 ICSID Rep 273.

86. *Waste Management Inc. v United Mexican States (No. 2)* (Decision on Preliminary Objection, 26 June 2002) ICSID Case No. ARB(AF)/00/3, 6 ICSID Rep 549.

87. *Azurix Corp. v Argentine Republic* (Decision on Jurisdiction, 8 December 2003), ICSID Case No. ARB/01/12, 10 ICSID Rep 416.

88. Gaukrodger D., "Investment Treaties as Corporate Law: Shareholders' Claims and Issues of Consistency", OECD Working Papers on International Investment, No. 2013/3 (2013): 24-26.

89. *London Award*, paras. 160-180, *Stockholm Award*, para. 412.

به منظور حمایت از حقوق خود استفاده کند، و از سوی دیگر، هر دو موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری میان جمهوری چک و دولت‌های ایالات متحده و هلند معتبر بوده و بدون اینکه ناسخ یکدیگر باشند، جزئی از قوانین جمهوری چک به شمار می‌روند. بنابراین، با توجه به آنکه خواهان دعوا در داوری لندن شخص حقیقی آقای لادر است، در داوری استکهلم، شرکت سی.ام.ای خواهان دعوا است و هرگونه استدلال مبنی بر سوءاستفاده از فرایند داوری محکوم به رد است.^{۹۰} تملک سهام سی.ام.ای به میزان ۹۹ درصد توسط آقای لادر و غیرمستقیم بودن سهام‌داری شخص اخیر در شرکت تشکیل‌شده در جمهوری چک، از نظر هیچ‌یک از دو دیوان، اثری بر صلاحیت ایشان برای رسیدگی به اختلاف نداشت و هریک با علم به احراز صلاحیت توسط دیگری، اقدام به رسیدگی و صدور رأی کردند.

دیوان استکهلم همچنین علی‌رغم پرداختن به تبعات منفی رسیدگی به اختلاف طرفین در دو مرجع مختلف، این موضوع را مانعی بر صلاحیت خود ندانست. دیوان با ارجاع به مخالفت دولت جمهوری چک با درخواست خواهان مبنی بر تجمیع دعاوی مقرر داشت که سوءاستفاده احتمالی آقای لادر نیز در تعقیب اختلاف خود به‌موجب موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری جمهوری چک با ایالات متحده، مانعی بر صلاحیت این دیوان برای رسیدگی نیست.^{۹۱}

۲-۴. تک‌مرحله‌ای بودن داوری و عدم امکان بازبینی ماهوی آرا

یکی از ویژگی‌های داوری بین‌المللی، تک‌مرحله‌ای بودن آن و فقدان فرایند تجدیدنظر برای بازبینی ماهوی آرای داوری است. همین ویژگی است که داوری بین‌المللی را در مقایسه با رسیدگی در دادگاه‌های ملی که علی‌الاصول دارای سه مرحله رسیدگی بدوی، تجدیدنظر و فرجام هستند، به ابزار سریع‌تری برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی مبدل ساخته است. با این حال، همین ویژگی می‌تواند منجر به صدور آرای متعارض شده و نهایتاً از انسجام نظام داوری بکاهد. برخی از نهادهای داوری به منظور بهبود این معضل، فرایندهایی مشابه با رسیدگی تجدیدنظر طراحی کرده‌اند. برای نمونه و در زمینه داوری تجاری بین‌المللی، به‌موجب ماده ۳۴ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، دیوان داوری موظف است پیش از امضای رأی، پیش‌نویس آن را به دیوان داوری بین‌المللی اتاق بازرگانی^{۹۲} که رکن اصلی این سازمان داوری است ارائه دهد. دادگاه می‌تواند اصلاحاتی را در خصوص شکل و فرم رأی مقرر دارد و بدون تحت‌الشعاع قراردادن آزادی عمل و اختیار دیوان، پیشنهادهایی را در رابطه با مسائل ماهوی رأی به دیوان ارائه دهد. واضح است که بنا بر مقررۀ مذکور، دیوان موظف به قبول این توصیه‌ها نبوده و پیشنهادهای

90. London Award, paras. 165, 171; Stockholm Award, para. 412.

91. Stockholm Award, para. 412.

92. International Court of Arbitration of the International Chamber of Commerce

دادگاه، الزامی برای دیوان به وجود نمی‌آورد. نمونه مشابه همین فرایند در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، کمیته ابطال پیش‌بینی شده به موجب ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید است. به موجب این مقرر، هریک از طرفین می‌تواند با تقدیم درخواست کتبی خود به دبیرکل ایکسید، ابطال رأی دیوان داوری را درخواست کند. میانی ابطال آرا به موجب کنوانسیون ایکسید از جمله، عدم تشکیل صحیح دیوان، خروج بارز دیوان از محدوده اختیارات خود و نقض اساسی یکی از قواعد بنیادین رسیدگی است. کمیته ابطال که به نحو موردی تشکیل می‌شود قادر است در صورت احراز هریک از شرایط مذکور، رأی دیوان داوری را ابطال کند.

علی‌رغم پیش‌بینی فرایندهای فوق، روشن است که تأثیر سازکارهای مزبور در جلوگیری از صدور آرای متعارض محدود است. از جمله، گستره نظارت کمیته ابطال ایکسید، محدود به موارد صلاحیتی است که جملگی در کنوانسیون واشنگتن احصا شده‌اند و همین امر از تأثیر این سازکار برای ایجاد رویه‌های سازگار و منسجم در خصوص موارد ماهوی به نحو قابل ملاحظه‌ای می‌کاهد.^{۹۳} برای نمونه، در پرونده سی.ام.اس، آرژانتین به درستی استدلال کرد که دیوان در تصمیم خود مبنی بر قول به عدم تحقق مصادره از یک سو، و اعمال استاندارد غرامت قابل اعمال در موارد مصادره، از سوی دیگر، دچار تناقض‌گویی شده است.^{۹۴} با این حال، کمیته ابطال ایکسید در مقابل تنها به این بیان بسنده کرد که دیوان دلایل خود را برای اعمال استاندارد ارزش منصفانه بازار در پرونده سی.ام.اس، به‌رغم وجود آرای متعارض دیگری در این زمینه بیان کرده است.^{۹۵} جالب‌تر آنکه کمیته ابطال، چند ماه پیش از تصمیم خود در این پرونده، در رسیدگی به اعتراض به رأی پرونده ال.جی.اند.ای اعلام کرده بود که نمی‌توان ارزش منصفانه بازار را در پرونده مذکور اعمال کرد،^{۹۶} حال آنکه اختلافات موضوع این دو پرونده واجد مشابهت عمده و اساسی بوده‌اند. در نتیجه مراتب فوق، و به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش عدم انسجام آرا در ایکسید، برخی نویسندگان پیشنهاد کرده‌اند که اختیارات کمیته ابطال توسعه داده شود تا کمیته مزبور

۹۳. به بیان صریح کمیته ابطال در پرونده سی.ام.اس، «هر دو طرف تصدیق و اذعان می‌دارند که کمیته موردی، دادگاه تجدیدنظر نیست و صلاحیت آن مشخصاً محدود به موارد ابطال مصرح در ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید است» و «کمیته ابطال نمی‌تواند نظر خود را در موارد ماهوی جایگزین دیدگاه دیوان داوری کند». ن.ک:

ICSID Annulment Decision of 25 September 2007, paras. 43 and 136.

همچنین ن.ک:

Kaufmann-Kohler, G (2007), *op.cit.*, p. 377.

94. ICSID Annulment Decision of 25 September 2007, para. 152.

گفتنی آنکه پیش از پرونده سی.ام.اس، دیوان داوری دیگری در ایکسید در دعوی فلدمن علیه مکزیک با بررسی همین موضوع، ارزش منصفانه بازار را تنها مختص به موارد مصادره اعلام کرده بود. ن.ک:

Feldman (Marvin) v. Mexico, ICSID Case No. ARB (AF)/99/1 (NAFTA), Award of 16 December 2002, para. 194.

95. ICSID Annulment Decision of 25 September 2007, paras. 152-158.

96. LG&E Award, para. 35.

بتواند به‌طور رسمی آرای پنل‌های داوری را به‌طور ماهوی ارزیابی کند.^{۹۷}

۳. راهکارهای جلوگیری از صدور آرای متعارض

۱-۳. درج شرط انتخاب قطعی و سلب حق اقامه یا تعقیب دعوا در موافقت‌نامه‌های

حمایت از سرمایه‌گذاری

رضایت دولت متعاقد سرمایه‌پذیر، مهم‌ترین مبنای صلاحیتی برای دیوان در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی به‌موجب موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه حمایت سرمایه‌گذاری است. صلاحیت دیوان داوری همچنین اصولاً به یکسانی تابعیت خواهان با کشور متعاقد دیگر، و انجام سرمایه‌گذاری بر اساس شرایط مندرج در موافقت‌نامه حمایت از سرمایه‌گذاری نیز منوط می‌شود. در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری و در شمار قیود ناظر به حل‌وفصل اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان، شرط انتخاب قطعی^{۹۸} یکی از شروطی است که می‌تواند از بروز آرای متعارض پیشگیری کند.

توضیح آنکه بسیاری از موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری حاوی حق انتخاب برای سرمایه‌گذار به منظور طرح دعوا از طرق مختلفی هستند که در موافقت‌نامه مربوط پیش‌بینی شده است. به‌موجب شرطی که به شرط انتخاب قطعی مشهور شده، انتخاب هر یک از این طرق توسط سرمایه‌گذار، قطعی و غیرقابل بازگشت محسوب می‌شود. بر این اساس و برای نمونه، چنانچه سرمایه‌گذار از طرح دعوا نزد یک دیوان داوری بین‌المللی صرف‌نظر کرده و به‌جای آن به دادگاه‌های داخلی کشور سرمایه‌پذیر مراجعه کند، دیگر نمی‌تواند همان دعوا را نزد دیوان داوری اقامه کند. چنین دیوانی در واقع فاقد صلاحیت رسیدگی خواهد بود.

دلایل گوناگونی برای درج این شرط در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری عنوان شده است. از جمله چنان‌که برخی از مراجع داوری به‌درستی اشاره کرده‌اند، شرط انتخاب قطعی، کارکردی مهم در اجتناب از صدور آرای قضایی و داوری متعارض دارد و از این‌رو در حیطة «نظم عمومی» کشور سرمایه‌پذیر است.^{۹۹} به‌علاوه، در صورت پیش‌بینی مراجع متعدد قضایی و/یا داوری، سرمایه‌گذار در موقعیت بهتری نسبت به کشور سرمایه‌پذیر قرار می‌گیرد زیرا خواهد توانست بابت تخلفی واحد از جانب کشور سرمایه‌پذیر، در بیش از یک مرجع اقامه دعوا کند، و به بیان دیوان

97. Kim D., "The Annulment Committee's Role in Multiplying Inconsistencies in ICSID Arbitration: The Need to Move Away from an Annulment-Based System", *New York University Law Review*, Vol. 86 2011: p. 242.

98. Fork in the road clause

99. *Maffezini v Spain (Preliminary Objections)* 5 ICSID Rep 396, 410/63.

داوری در پرونده لادر، کشور سرمایه‌پذیر مجبور خواهد بود در چند جبهه از خود دفاع کند.^{۱۰۰} افزایش قابل توجه هزینه‌های حقوقی از جمله پیامدهای نامطلوب این امر به شمار می‌رود. یکی از راهکارهای مشابه با شرط انتخاب قطعی، الزام به اسقاط حق طرح و تعقیب دعوا در برخی معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری است. برای نمونه، به‌موجب ماده ۱۱۲۱ (فصل یازدهم) موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا)، سرمایه‌گذار، و در موارد دعوای مطالبه خسارات بابت ضرر و زیان به شرکت تحت مالکیت یا کنترل مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه‌گذار، شرکت مزبور، موظف است به منظور استفاده از داوری نفتا، حق خود به منظور طرح یا تعقیب هرگونه دعوا نزد هرگونه مرجع اداری یا دادگاه به‌موجب قوانین هریک از طرفین متعاقد (ایالات متحده، کانادا و مکزیک)، یا از طریق دیگر فرایندهای حل‌وفصل اختلافات را در خصوص اقدامی که ادعا می‌شود توسط هریک از طرفین متعاقد اتخاذ شده و ناقض موافقت‌نامه است، اسقاط کند. اسقاط حق مذکور باید کتبی بوده و همراه با درخواست داوری ارائه شود. بر این اساس می‌توان گفت ماده ۱۱۲۱ نفتا با منع سرمایه‌گذارانی مانند لادر از طرح هم‌زمان دو دعوا علیه یک اقدام نزد دو مرجع رسیدگی متفاوت، واحد یکی از عناصری را که منجر به پیچیدگی‌های پرونده سی.ام.ای شد، حذف می‌کند. با وجود این، سرمایه‌گذار به‌صرف اقامه دعوا نزد دادگاه‌های کشورهای عضو به ادعای نقض مقررات حقوق داخلی کشور مربوطه، از حق خود به منظور طرح دعوای داوری بر اساس مقررات فصل یازدهم نفتا محروم نمی‌شود زیرا مقررات ماده ۱۱۲۱ تنها در مواردی قابلیت اعمال دارد که سرمایه‌گذار بخواهد مستقیماً و بلافاصله رسیدگی‌های داوری را آغاز کند.^{۱۰۱} با این حال، شرط انتخاب قطعی در پیشگیری از صدور آرای متعارض در موضوعات مرتبط کمک چندانی نمی‌کند زیرا اصولاً به‌طور مضیق تفسیر می‌شود و با تغییر جزئی موضوع دعوا می‌توان مرجع رسیدگی را از داوری به قضایی و از قضایی به داوری تغییر داد.^{۱۰۲}

۲-۳. توقیف رسیدگی به استناد ایراد امر مطروح

دکترین یا قاعده توقیف رسیدگی به استناد امر مطروح^{۱۰۳} دارای سابقه‌ای طولانی در رسیدگی‌های قضایی است. برای نمونه، به‌موجب ماده ۲۹ مقررۀ بروکسل ۱ دادگاه‌های

100. (Merits) 9 ICSID Rep 62, 85-6/161. See also Casado v Chile (Merits) paras. 482 et seq.

101. Dodge W., "National Courts and International Arbitration: Exhaustion of Remedies and Resudicata Under Chapter Eleven of NAFTA", Hastings International and Comparative Law Review, Vol. 23, 2000: pp. 357, 372, 373.

برای بحث مفصل در خصوص سلب حق ذیل نفتا، ن.ک:

Waste Management, Inc. v. Mexico, ICSID Case No. ARB(AF)/98/2, 2 June 2000.

102. Douglas Z., The International Law of Investment Claims, second edition, Cambridge University Press, 2009, 155.

103. Lis Pendens

کشورهای عضو اتحادیه اروپا موظفاند در صورتی که دعوای مطروح نزد آن‌ها قبلاً در دادگاه دیگری از کشورهای عضو اقامه شده باشد، به شرط وحدت موضوع، موجب و اصحاب دعوا، رسیدگی را رأساً تا زمان تصمیم‌گیری در خصوص صلاحیت دادگاه نخست، متوقف کنند.^{۱۰۴}

استفاده از این راهکار در رسیدگی‌های داوری بین‌المللی هرچند به‌طور سنتی مردود دانسته شده،^{۱۰۵} می‌تواند دست‌کم در برخی موارد از صدور آرای متعارض بکاهد. برای نمونه، دیوان فدرال سوئیس در پرونده فومنتو در ۲۰۰۱ از همین راهکار استفاده کرد.^{۱۰۶} فومنتو که یک شرکت اسپانیایی بود پس از اختلاف با طرف پانامایی خود، کولون کانتینر،^{۱۰۷} نزد دادگاهی در پاناما طرح دعوا کرد. خواننده با استناد به شرط داوری مندرج در قرارداد طرفین، به صلاحیت دادگاه اعتراض کرد. با این حال، دادگاه به علت طرح ایراد در خارج از زمان مقرر قانونی، استدلال خواننده را رد و صلاحیت خود را احراز کرد. در مقابل، کولون کانتینر با استناد به همان شرط داوری، رسیدگی علیه فومنتو را در سوئیس شروع کرد. دیوان داوری نیز علی‌رغم ایراد خواننده داوری مبنی بر جریان رسیدگی هم‌زمان در دادگاه‌های پاناما و درخواست توقیف رسیدگی، صلاحیت خود را با صدور رأی جزئی احراز، و رسیدگی را آغاز کرد.

با اعتراض فومنتو به رأی مذکور، سرانجام دادگاه فدرال سوئیس، رأی داوری را به علت استنکاف دیوان از توقیف رسیدگی علی‌رغم وجود دادرسی هم‌زمان در یک دادگاه خارجی و به استناد ماده ۹ قانون فدرال سوئیس در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی ابطال کرد. به‌موجب این ماده، دادگاه‌های سوئیس موظفاند در صورتی که دعوایی قبلاً نزد دادگاه خارجی مطرح شده باشد، رسیدگی را مشروط بر وحدت موضوع و اصحاب دعوا متوقف کنند. به باور دادگاه فدرال سوئیس، توقیف رسیدگی به استناد امر مطروح، یکی از قواعد صلاحیتی بوده و هدف آن، جلوگیری از صدور آرای متعارضی است که هر دو قابلیت اجرا دارند. گفتنی آنکه مقررۀ مذکور به‌خودی‌خود بر دیوان‌های داوری که مقر آن‌ها در سوئیس است اعمال نمی‌شود. با این همه، دیوان فدرال سوئیس آن را مرتبط با نظم عمومی دانسته و برای دیوان‌های داوری نیز لازم‌الاتباع اعلام کرد.

موارد متعددی که در انتقاد به تصمیم دیوان فدرال سوئیس در پرونده فومنتو مطرح شده، حاکی از محدودیت‌های مهمی است که اعمال این قاعده در داوری بین‌المللی با آن‌ها مواجه

۱۰۴. مشابه همین حکم در بند ۱ ماده ۲۱ کنوانسیون لوگانو مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۸ نیز قابل مشاهده است.

105. Kaufmann-Kohler G., et al., "Consolidation of Proceedings in Investment Arbitration: How Can Multiple Proceedings Arising from the Same or Related Situations Be Handled Efficiently?" ICSID Review: Foreign Investment Law Journal, Vol. 21, No. 1, (2006): 67.

106. Fomento de Construcciones y Contratas S.A. v. Colon Container Terminal S.A., DSFSC 127 (2001) III at 279.

107. Colon Container

است. نخست، به باور برخی از نویسندگان میان دادگاه و دیوان داوری اساساً وضعیت امر مطروح نمی‌تواند وجود داشته باشد.^{۱۰۸} علت این امر، تنافی بنیادین میان صلاحیت دادگاه و داوری است. محاکم دولتی هر یک بنا به قواعد صلاحیتی کشور مربوطه، صلاحیت خود را احراز یا رد می‌کنند. بنابراین مگر در صورت وجود معاهده یا مقرره‌ای مرتبط،^{۱۰۹} احراز صلاحیت دادگاهی در کشور «الف» لزوماً مانع از احراز صلاحیت دادگاهی دیگر در کشور «ب» نیست. در مقابل، طرفین با انعقاد موافقت‌نامه داوری، صلاحیت رسیدگی به اختلاف خود را انحصاراً به دیوان داوری می‌سپارند و در نتیجه، هیچ مرجع دیگری صالح به رسیدگی به اختلافات مشمول موافقت‌نامه داوری نخواهد بود. دادگاه‌های اکثر کشورهای دنیا نیز موظف‌اند به‌موجب کنوانسیون نیویورک، موافقت‌نامه مذکور را شناسایی و به اجرا گذارند. بر این اساس، دادگاه و دیوان داوری اصولاً نمی‌توانند هم‌زمان واجد صلاحیت برای رسیدگی به یک دعوا با طرفین واحد باشند. این در حالی است که وجود دو مرجع هم‌زمان صالح، از مفروضات دکترین توقیف رسیدگی به استناد امر مطروح تلقی می‌شود.

دوم، مرجع کنترل‌کننده رأی داوری، دادگاه کشور مقر، و نه دادگاه خارجی است. بر همین مبنا، تصمیم‌گیری در خصوص اعتبار موافقت‌نامه داوری نیز در صلاحیت دادگاه کشور مقر قرار دارد. این کنترل به‌موجب قوانین کشور مقر انجام شده و نظر دادگاه خارجی نمی‌تواند در آن مداخلتی داشته باشد.^{۱۱۰} مجموع انتقادات فوق، قانونگذار سوئیس را در ۲۰۰۷ به اصلاح ماده ۹ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی و مخالفت با تصمیم دیوان فدرال این کشور واداشت. به‌موجب مفاد جدید ماده ۱۸۶ این قانون، دیوان‌های داوری که در سوئیس تشکیل می‌شوند قادرند فارغ از طرح دعوای یکسان نزد دادگاه یا دیوان داوری دیگر، صلاحیت خود را احراز و آغاز به رسیدگی کنند.

سوم، قوانین داوری کشورهای مختلف نیز امکان دفاع از طریق ایراد امر مطروح را پیش‌بینی نکرده، و در عوض به خواننده اجازه داده‌اند با استناد به موافقت‌نامه داوری میان طرفین، به صلاحیت دادگاه اعتراض کند.^{۱۱۱} البته ایراد صلاحیتی مذکور باید در وقت مقر انجام شود، و گر نه مفروض انگاشته خواهد شد که طرفین از شرط داوری عدول کرده و به صلاحیت دادگاه رضایت داده‌اند. با توجه به مراتب فوق و به‌عنوان نتیجه، به نظر می‌رسد دست‌کم با مواضع فعلی قوانین و قواعد داوری، توقیف رسیدگی به استناد امر مطروح، راه‌حل قابل اتکایی برای جلوگیری

108. Soderlund C. (2005), *op.cit.*, p. 313.

۱۰۹. مانند مقرره بروکسل ۱.

110. Mayer, P., "Conflicting Decisions in International Commercial Arbitration", *Journal of International Dispute Settlement*, Vol. 4, No. 2, 2013: p. 414.

۱۱۱. بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون نیویورک و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون ژنو.

از صدور آرای متعارض در داوری بین‌المللی نباشد.

۳-۳. استفاده از سازکارهای تجمیع دعاوی

تجمیع دعاوی به معنای رسیدگی به دو یا بیش از دو دعوی همسان یا مرتبط و در دست بررسی نزد مراجع متفاوت در مرجع واحد است.^{۱۱۲} به‌کارگیری روش‌های تجمیع دعاوی عموماً راهکاری برای جلوگیری از صدور آرای متعارض دانسته شده است.^{۱۱۳} علی‌رغم آنکه استفاده از سازکار تجمیع هنوز گسترش نیافته، در برخی قوانین و قواعد داوری و نیز موافقت‌نامه‌های بین‌المللی کم‌وبیش پیش‌بینی شده است.^{۱۱۴} تجمیع دعاوی به‌ویژه در مواردی مؤثر و موجه به نظر می‌رسد که شرکت سرمایه‌پذیر و سهام‌داران آن هر دو در مراجع متفاوت طرح دعوا می‌کنند.

با توجه به قوانین و قواعد فوق مشخص می‌شود که شرایط متعددی برای تجمیع دعاوی در نظر گرفته شده است. نخست، دعاوی مورد نظر باید با یکدیگر مرتبط باشند.^{۱۱۵} مفهوم «ارتباط»^{۱۱۶} در برخی موارد به معنای «اشتراک در مسائل حکمی یا موضوعی»^{۱۱۷} دانسته شده^{۱۱۸} که گاه قید «ناشی از وقایع یا شرایط یکسان»^{۱۱۹} نیز به آن افزوده شده است.^{۱۲۰} همین مفهوم در برخی قوانین و مقررات دیگر به معنای وجود ریسک صدور آرای متعارض در صورت رسیدگی مجزا به دعاوی مربوطه در نظر گرفته شده است.^{۱۲۱} در برخی موارد نیز وجود موضوع یکسان برای ارتباط دعاوی کافی دانسته شده، بدون آنکه ماهیت این ارتباط مشخص شود. علاوه بر ارتباط دعاوی،

112. Crivellaro A., (2005), *op.cit.*, p. 381.

113. Wallace E., "Consolidated Arbitration in the U.S; Recent Authority Requires Consent of the Parties", *Journal of International Arbitration*, Vol. 3, Issue 5, (1993): 17; Order of the Consolidation Tribunal, Sept. 7, 2005, granting the consolidation of the cases *Canfor Corporation v. United States of America*, *Tembec et al. v. United States of America* and *Terminal Forest Products Ltd. v. United States of America*).

۱۱۴. ماده ۱۴۴۶ قانون داوری هلند (۱۹۸۶)، بخش ۲۴ قانون داوری استرالیا، بخش ۳۵ قانون داوری انگلیس، بخش ۹ قانون داوری ایرلند، ماده ۴ قواعد داوری بین‌المللی سوئیس، ماده ۷ قواعد داوری مرکز داوری مکزیک، ماده ۱۱۲۶ نفتا.

۱۱۵. گفتنی است لزوم این شرط در برخی موارد مسکوت گذاشته شده است. برای نمونه، ن.ک: ماده ۲۶ قانون داوری سنگاپور، بخش ۳۵ قانون داوری انگلیس، بخش ۹ قانون داوری تجاری ایرلند.

116. Connexity

117. Questions of law or fact in common

۱۱۸. بند ۲ ماده ۱۱۲۶ نفتا، شق (الف) بند ۱ بخش ۲۴ قانون داوری بین‌المللی استرالیا، قسمت (ب) بخش ۶ فرمان داوری هنگ‌کنگ، بند ۱۲ ماده ۶۸۴ قانون داوری بین‌المللی فلوریدا.

119. Arising out of the same events or circumstances

۱۲۰. ماده ۳۳ موافقت‌نامه دوجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری ایالات متحده و اروگوئه، ماده ۱۵ موافقت‌نامه تجارت آزاد ایالات متحده و سنگاپور.

۱۲۱. بخش ۱۰ قانون متحدالشکل داوری ایالات متحده (۲۰۰۱)، بند ۳ ماده ۲۸ مقررۀ بروکسل.

گاه حل‌وفصل منصفانه و کارآمد^{۱۲۲} اختلافات و گاه منافع عدالت^{۱۲۳} به‌عنوان دیگر شروط تجمیع دعاوی لازم دانسته شده است. مهم‌تر از همه، وفق اکثر قوانین داوری، رضایت طرفین نیز به منظور تجمیع دعاوی لازم دانسته شده است.^{۱۲۴}

با توجه به موارد فوق به‌آسانی ملاحظه می‌شود که به‌کارستن این سازکار نیز دارای محدودیت‌های مهمی است. نخست، شرط رضایت طرفین دعوا می‌تواند مانع قابل‌توجهی در این زمینه باشد. برای نمونه، تجمیع دعاوی در پرونده سی.ام.ای از سوی خواهان دعاوی مطرح شد اما دولت جمهوری چک از پذیرش هرگونه پیشنهاد مبنی بر تجمیع دعاوی نزد دیوان لندن و دیوان استکهلم سر باز زد.^{۱۲۵} دوم، در موارد سکوت طرفین و رسیدگی توسط دو دیوان داوری در دو کشور با قوانین متفاوت در این خصوص، امکان تجمیع دعاوی با تردیدهای جدی مواجه است. سرانجام، در مواردی نیز که مانند قانون داوری هلند، وجود رضایت طرفین ضروری دانسته نشده،^{۱۲۶} تجمیع دعاوی اصولاً منوط به برگزاری هر دو داوری در مقر واحد است.^{۱۲۷}

با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که در بالا برشمرده شد، به نظر می‌رسد می‌توان کارآمدی این سازکار را با حذف شرط رضایت طرفین به نحو قابل‌ملاحظه‌ای افزایش داد.

نتیجه

برآیند کلی از بررسی‌های انجام‌شده در پژوهش حاضر، حاکی از سه نتیجه اصلی است. نخست، وجود میزانی از عدم انسجام و هماهنگی در عناصر مختلف یک نظام حل‌وفصل اختلافات، اجتناب‌ناپذیر است و از همین رو نمی‌توان تعارض آرا را به‌طور کامل از عرصه داوری بین‌المللی زدود. چنان‌که مباحث این نوشتار نشان داد، برای نمونه، فقدان قاعده سابقه، تک‌مرحله‌ای بودن داوری و عدم امکان بازبینی ماهوی آرا از جمله ویژگی‌های ساختاری داوری است و از همین رو، به‌سختی می‌توان راهکاری برای آن یافت. از دیگر سو ممکن است استفاده از برخی راهکارهای مذکور مانند تجمیع دعاوی، مطلوبیت لازم را برای طرفین اختلاف نداشته باشد. تجمیع دعاوی به‌ویژه مستلزم صرف‌نظر از محرمانگی داوری در نظر گرفته شده و به همین دلیل، مورد استقبال گسترده کاربران این حوزه واقع نشده است.

۱۲۲. بند ۲ ماده ۱۱۲۶ نقتا، ماده ۸۳ موافقت‌نامه تجارت آزاد ژاپن و مکزیک.

۱۲۳. بند ۵ ماده ۱۲، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی.

۱۲۴. برای نمونه، بخش ۳۵ قانون داوری انگلیس، ماده ۲۶ قانون داوری سنگاپور، بخش ۲۱ قانون داوری تجاری بریتیش کلمبیا.

125. Stockholm Award, para. 427.

۱۲۶. بند ۱ ماده ۱۰۴۶ قانون داوری هلند.

127. Gaillard E., and Savage J., *op.cit.*, p. 303; Born G., *op.cit.*, p. 2589.

دوم، عوامل متعدد با ماهیت‌های گوناگون می‌توانند منجر به صدور آرای متعارض شوند. بر این اساس، پیشگیری از بروز هریک از انواع تعارض، نیازمند راهکاری ویژه است و نمی‌توان سازوکار واحد و جامعی برای از میان بردن کلیه عوامل بروز تعارض به دست داد. چنان‌که ملاحظه شد، تعارض فکری آرا در مقایسه با تعارض مادی یا شبه‌مادی، واجد آثار سوء به مراتب کمتری است. درحالی‌که می‌توان ریسک تعارض فکری را از طریق رجوع هرچه بیشتر دیوان‌های داورى به رویه‌های منسجم در مجموعه آرای پیشین کاهش داد، به نظر می‌رسد مدیریت تعارض مادی آرا بیشتر در مرحله اجرا قابل دستیابی باشد. توضیح آنکه ممکن است بتوان در مرحله اجرای رأی با استناد به اصولی نظیر منع داراشدن ناعادلانه یا بلاجهت، از برخی پیامدهای ناگوار آرای متعارض نظیر جبران مضاعف به زیان کشور میزبان اجتناب کرد که خود موضوع پژوهشی مستقل است. ممکن است ماده ۵ کنوانسیون نیویورک و امکان امتناع از اجرای رأی داورى به استناد مخالفت با نظم عمومی کشور مقصد، ظرفیت قانونی لازم را برای این منظور در اختیار دادگاه‌های کشورهای عضو کنوانسیون قرار دهد. در اجرای آرای داورى ایکسید نیز که مشمول نظام کنوانسیون نیویورک نیست، دادگاه‌های داخلی می‌توانند با تکیه بر اصول مشابهی در نظام‌های حقوق ملی به همین مهم دست یابند.

سوم، تعارض آرا فاقد سرچشمه‌ای واحد است و از همین رو، کلیه نقش‌آفرینان این عرصه، داوران و دیوان‌ها، و نیز در سطحی بالاتر، کشورها در بروز آن دخیل هستند. علی‌رغم فقدان قاعده سابقه، داوران و دیوان‌های داورى می‌توانند با اتخاذ رویکردی فعال در رجوع به آرای داورى پیشین، به تدریج رویه‌های منسجم‌تری را در این زمینه رقم بزنند. از سوی دیگر، کشورها می‌توانند با درج شروطی در موافقت‌نامه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری، از طرح هم‌زمان دعاوی توسط سهام‌داران مستقیم و غیرمستقیم شرکت‌های ثبت‌شده در کشور سرمایه‌پذیر جلوگیری کنند یا به صورت جایگزین، با حذف شرط رضایت طرفین، امکان تجمیع دعاوی مرتبط را فراهم آورند. همچنین، استفاده گسترده‌تری از شرط انتخاب قطعی و سلب حق اقامه دعاوی مشابه در موافقت‌نامه‌های مذکور می‌تواند کمک شایانی در این زمینه باشد. البته گفتنی است اتخاذ هریک از اقدامات فوق مستلزم حفظ تعادل میان ایجاد انسجام بیشتر، و سایر ویژگی‌های داورى بین‌المللی، نظیر سرعت و محرمانگی در رسیدگی است.

English / French

- Books

- ≠ Dolzer R., Schreuer C., Principles of International Investment Law, Second ed. Oxford: Oxford University Press, 2008.
- ≠ Douglas Z., The International Law of Investment Claims, second edition, Cambridge University Press, 2009.
- ≠ Gaillard E., and Savage J., (eds.), Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration, The Hague: Kluwer Law International, 1999.
- ≠ Schreuer C. et al., The ICSID Convention: A Commentary on the Convention on the Settlement of Investment Disputes Between States and Nationals of Other States, 2nd Ed. Cambridge University Press, 2014.

- Articles

- ≠ Alvarez J. and Khamsi K. “The Argentine Crisis and Foreign Investors: A Glimpse into the Heart of the Investment Regime” in Yearbook on International Investment Law and Policy (2008/2009).
- ≠ Brower C., Sharpe J., “Multiple and Conflicting International Arbitral Awards”, The Journal of World Investment, Vol. 4, Issue 2, 2003.
- ≠ Buergethal T., “The Proliferation of Disputes, Dispute Settlement Procedures and Respect for the Rule of Law”, Arbitration International, Vol. 22, Issue 4, 2014.
- ≠ Burke-White W., and Von Staden A., “Private Litigation in a Public Law Sphere: The Standard of Review in Investor-State Arbitrations”, Yale Journal of International Law, Vol. 35, 2010.
- ≠ Commission J., “Precedents in Investment Treaty Arbitration: A Citation Analysis of a Developing Jurisprudence” Journal of International Arbitration, Vol. 24, No. 2, 2007.
- ≠ Cremades B., and Madalena I., “Parallel Proceedings in International Arbitration”, Arbitration International, Vol. 24, No. 4, 2008.
- ≠ Crivellaro A., “Consolidation of Arbitral and Court Proceedings in Investment Disputes”, Law & Practice of International Courts and Tribunals, Vol. 4, 2005.
- ≠ Dodge W., “National Courts and International Arbitration: Exhaustion of Remedies and Resudicata under Chapter Eleven of NAFTA”, Hastings International and Comparative Law Review, Vol. 23, 2000.
- ≠ Duprey P. “Do Arbitral Awards Constitute Precedents? Should Commercial Arbitration be Distinguished in this regard from Arbitration Based on Investment Treaties?” in E. Gaillard (ed.), Towards a Uniform International Arbitration Law? 2005.

- ≠ Kingsbury B., and Schill S., “Investor-State Arbitration as Governance: Fair and Equitable Treatment, Proportionality and the Emerging Global Administrative Law”, in 50 Years of the New York Convention: ICCA International Arbitration Conference 5, 8 n.7 (Albert Jan van den Berg ed., 2009).
- ≠ Foster D. “Necessity Knows No Law!?: LG&E v. Argentina”, *International Arbitration Law Review*, Vol. 9, Issue 6, 2006.
- ≠ Fouret J. “CMS c/ LG&E ou l’état de nécessité en question”, *Revue de l’arbitrage*, No. 2, 2007.
- ≠ Gallagher N., *Parallel Proceedings, Res Judicata and Lis Pendens: Problems and Possible Solutions*, in L.A. Mistelis, J.D.M. Lew (eds.), *Pervasive Problems in International Arbitration*, Kluwer, The Hague, 2006.
- ≠ Gaukrodger D., “Investment Treaties and Shareholder Claims: Analysis of Treaty Practice”, *OECD Working Papers on International Investment*, No. 2014/03, 2014.
- ≠ Gaukrodger D., “Investment Treaties as Corporate Law: Shareholders’ Claims and Issues of Consistency”, *OECD Working Papers on International Investment*, No. 2013/3, 2013.
- ≠ Günes S., “Res Judicata in International Arbitration: To What Extent Does an Arbitral Award Prevent the Re-Litigation of Issues?”, *Transnational Dispute Management*, Vol. 12, Issue 6, 2015.
- ≠ Hanotiau B., *L’autorité de chose jugée des sentences arbitrales, L’arbitrage complexe*, Special Supplement Bull. CI Arb. ICC 45 (2003).
- ≠ Hansen R., “Parallel Proceedings in Investor-State Treaty Arbitration: Responses for Treaty Drafters, Arbitrators and Parties”, *The Modern Law Review*, Vol. 73, Issue 4, 2010.
- ≠ Kaufmann-Kohler, G. “Arbitral Precedent: Dream, Necessity or Excuse?”, *Arbitration International*, Vol. 23, No. 3, 2007.
- ≠ Kaufmann-Kohler G. “Is Consistency a Myth” in Gaillard E. and Banifatemi Y. (Eds.), *IAI Series on International Arbitration No. 5, Precedent in International Arbitration*, Paris: Juris Publishing Inc. 2007.
- ≠ Kaufmann-Kohler G., et al., “Consolidation of Proceedings in Investment Arbitration: How Can Multiple Proceedings Arising from the Same or Related Situations Be Handled Efficiently?” *ICSID Review: Foreign Investment Law Journal*, Vol. 21, No. 1, 2006.
- ≠ Kim D., “The Annulment Committee’s Role in Multiplying Inconsistencies in ICSID Arbitration: The Need to Move Away from an Annulment-Based System”, *New York University Law Review*, Vol. 86, 2011.
- ≠ Kuhn W., “How to Avoid Conflicting Awaeds – The Lauder and CME Cases”, *The Journal of World Investment and Trade*, Vol. 5, Issue 1, 2004.
- ≠ Martinez-Fraga P., and Jack Samra H., “The Role of Precedent in

- Defining Res Judicata in Investor–State Arbitration”, *Northwestern Journal of International Law & Business*, Vol. 32, Issue 3, 2012.
- ≠ Mayer, P. “Conflicting Decisions in International Commercial Arbitration”, *Journal of International Dispute Settlement*, Vol. 4, No. 2, 2013.
- ≠ Reinisch A, “Necessity in International Investment Arbitration: An Unnecessary Split of Opinions in Recent ICSID Cases?”, *Journal of World Investment & Trade*, Vol. 8, Issue 2, 2007.
- ≠ Rubins N., “Observations, Judgment by the Svea Court of Appeal, Stockholm, Rendered in 2003 in Case T8735-01: The CME v. Czech Republic Case”, *Stockholm Arb. Rep. No. 2*, 2003.
- ≠ Sheppard A., “The Scope and Res Judicata Effect of Arbitral Awards” in *Arbitral Procedure at the Dawn of the New Millennium (Reports of the International Colloquium of CEPANI, Bruylant, 2005)*.
- ≠ Schneiderman D., “Judicial Politics and International Investment Arbitration: Seeking an Explanation for Conflicting Outcomes”, *Northwestern Journal of International Law & Business*, Vol. 30, 2010.
- ≠ Schreuer C. and Weiniger M., “Conversation across Cases: Is there a Doctrine of Precedent in Investment Arbitration?” in MacLachlan C., Shore L., Weiniger M. and Mistelis L. (eds.), *International Investment Arbitration: Substantive Principles Investment Treaty Law*, 2007.
- ≠ Schreuer C., “Shareholder Protection in International Investment Law”, *Transnational Dispute Management*, Vol. 2, Issue 3, 2005.
- ≠ Soderlund C., “Lis Pendens, Res Judicata and the Issue of Parallel Judicial Proceedings”, *Journal of International Arbitration*, Vol. 22, No. 4, 2005.
- ≠ Spoorenberg, F. Viñuales, J., “Conflicting Decisions in International Arbitration”, *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, Vol. 8, 2009.
- ≠ Ten Cate I. “The Costs of Consistency: Precedent in Investment Treaty Arbitration”, *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 51, 2013.
- ≠ Valasek M. and Dumberry P., “Developments in the Legal Standing of Shareholders and Holding Corporations in Investor-State Disputes” *ICSID Review: Foreign Investment Law Journal*, Vol. 26, Issue 1, 2011.
- ≠ Wallace E., “Consolidated Arbitration in the U.S; Recent Authority Requires Consent of the Parties”, *Journal of International Arbitration*, Vol. 3, Issue 5, 1993.
- ≠ Yaffe N., “Transnational Arbitral Res Judicata”, *Journal of International Arbitration*, No. 5, 2017.

- Judgements and Awards

- ≠ Horst Ludwig Martin Hoffmann v. Adelheid Krieg, Court of Justice of the European Union, 4 February 1988, Case No. 145/86.

-
- ≠ CMS Gas Transmission Company v. Argentina, ICSID Case No. ARB/01/08 (United States/Argentina BIT), Award of 12 May 2005, Annulment Decision of 25 September 2007.
- ≠ LG&E v. Argentina, ICSID Case No. ARB/02/1 (United States/Argentina BIT), Decision on liability of 3 October 2006, Damages Award of 25 July 2007.
- ≠ In the Matter of an UNCITRAL Arbitration between Ronald S. Lauder v. the Czech Republic, Final Award of 3 September 2001.
- ≠ CME Czech Republic B. V (The Netherlands) v. The Czech Republic, Partial Award of 13 September 2001 (UNCITRAL Arbitration Proceedings).
- ≠ Enron Corporation and Ponderosa Assets LP v Argentine Republic (Decision on Jurisdiction, 14 January 2004) ICSID Case No. ARB/01/3, 11 ICSID Rep 273.
- ≠ Azurix Corp. v Argentine Republic (Decision on Jurisdiction, 8 December 2003), ICSID Case No. ARB/ 01/12, 10 ICSID Rep 416.
- ≠ El Paso Energy International Co. v. Argentine Republic, ICSID Case ARB/03/15, Decision on Jurisdiction, 27 April 2006.
- ≠ Czech Republic v. CME Czech Republic BV, Svea Court of Appeal, Case No. T8735-01, Decision of 15 May 2003.
- ≠ Siemens AG v Argentine Republic (Decision on Jurisdiction, 3 August 2004) ICSID Case No. ARB/02/8, 12 ICSID Rep 174.
- ≠ Feldman (Marvin) v. Mexico, ICSID Case No. ARB (AF)/99/1 (NAFTA), Award of 16 December 2002.
- ≠ Fomento de Construcciones y Contratas S.A. v. Colon Container Terminal S.A., DSFSC 127 (2001) III at 279.
- ≠ Maffezini v Spain (Preliminary Objections) 5 ICSID Rep 396, 410/63.
- ≠ Waste Management, Inc. v. Mexico, ICSID Case No. ARB(AF)/98/2, 2 June 2000.
- ≠ Waste Management Inc. v United Mexican States (No. 2) (Decision on Preliminary Objection, 26 June 2002) ICSID Case No. ARB(AF)/ 00/3, 6 ICSID Rep 549.
- ≠ Order of the Consolidation Tribunal, Sept. 7, 2005, granting the consolidation of the cases Canfor Corporation v. United States of America, Tembec et al. v. United States of America and Terminal Forest Products Ltd. v. United States of America).